اشاره:

بهترین مسیر کنترل ذهن در فضای فعلی جوامع بشری را می‌توان در تلاش برای هدایت افکار و اعمال نخبگان تصور کرد. نخبگانی که خود از طیف وسیعی به واسطه سطح تاثیر گذاری متناسب با اهداف تعریف شده برخوردارند. بطور مثال اگر بنا بر تاثیر گذاری بر حوزه سیاست خارجی باشد طیف مذکور شامل مجموعه‌ای از دیپلمات‌ها، سیاسیون و اصحاب رسانه و خبرنگاران خواهد بود. اما آنجا که صحبت از «فتح فرهنگ» یک جامعه به میان می‌آید سطح و گسترده فضای جنگ نخبگانی نیز ارتقاء می‌یابد. چرا که فرهنگ ظرف همه تعاملات بشری است و با دستکاری آن در سطوح مختلف می‌توان از اقتصاد تا سیاست خارجی، از محصولات گیشه سینما تا محتویات گوشی تلفن همراه و از کلاس مدرسه تا متون دانشگاهی یک کشور، منطقه یا حتی گسترده‌ای به وسعت جهان را تحت تاثیر قرار داد. در چنین فضایی اولین تظاهرات دستکاری فرهنگی جوامع با تمسک بر ابزارهای دیپلماسی عمومی را می‌توان در تغییر ذائقه افراد و بروز معضلات اجتماعی متنوع اما بدون سبقه تاریخی مشاهده کرد.

بر همین اساس تکرار مجدد مفهوم مهم و تاریخ ساز دیپلماسی عمومی (Public Diplomacy) موضوعیت می‌یابد...

در فرهنگ واژگان اصطلاحات روابط بین الملل که در سال ۱۹۸۵ توسط وزارت خارجه آمریکا منتشر شد دیپلماسی عمومی این چنین تعریف شده است: «دیپلماسی عمومی به برنامه های تحت حمایت دولت اشاره دارد که هدف از آنها اطلاع رسانی و یا تحت تاثیر قرار دادن افکار عمومی در کشورهای دیگر است؛ ابزار اصلی آن نیز انتشار متن، تصاویر متحرک، مبادلات فرهنگی، رادیو و تلویزیون و اینترنت است.»

گشتاپوی کنترل مشاهیر؟!

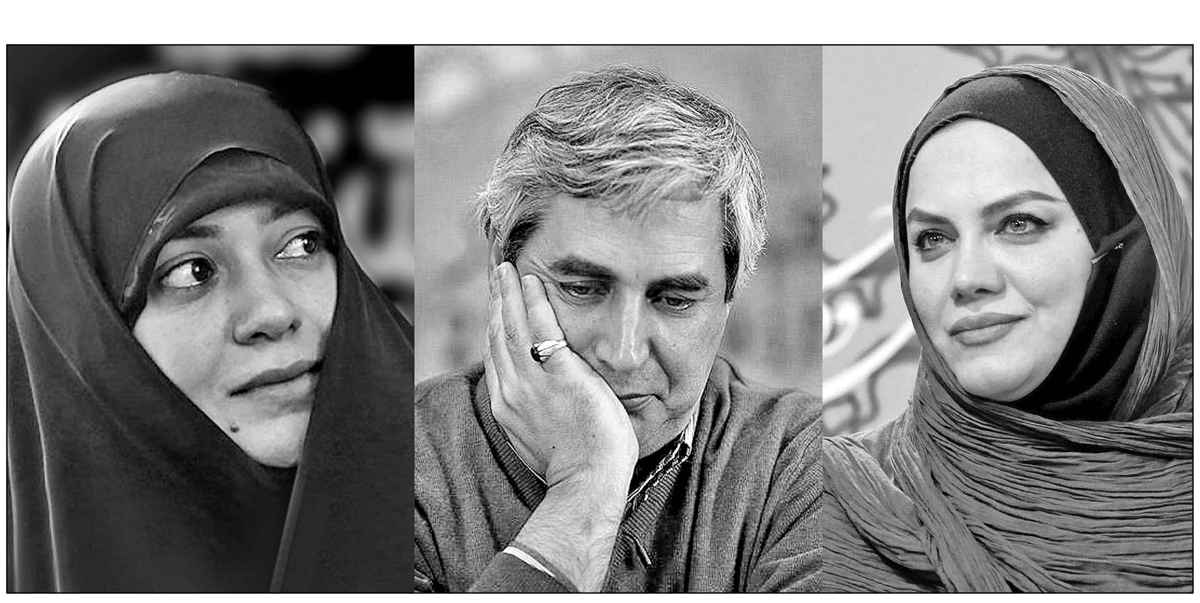

تقابل با مظاهر قدرت نرم دیگران شامل مفاهیم بلندی همچون ملیت، فرهنگ بومی، دین رسمی و یا سایر مولفه‌هایی که به یکپارچگی و دوام حضور یک گروه از مردم در طول سالیان سال در منطقه‌ای معین و مشخص منجر شده، همگی در ذیل اهداف دیپلماسی عمومی یک کشور علیه دیگری معنا می‌یابد. اما گسترده‌ترین شکل از دیپلماسی عمومی را اصولا باید در تقابل «دو نظام مستقل» با انگیزش‌های ذاتی متفاوت جست‌وجو کرد. آنچه امروز در جامعه ایرانی بیش از همه مورد هجمه واقع شده «نظام یا حاکمیتی» است که در جنگ با سیستم لیبرال سرمایه داری موفق شده بدون تمسک چشم گیر بر مولفه‌های نظامی خود، جنگی نرم را تا درون تار و پود زر سالاران جهانی گسترش دهد. در چنین فضایی طبیعی است که رقیب از همه ابزارهای قدرت نرم خود به صورت دائمی به منظور «هدایت نخبگانی» جامعه حریف بهره می‌برد و تلاش می‌کند گروه‌هایی از مردم درگیر جنگ تمام عیار با حاکمیتی شوند که حقیقتا مردمی‌ترین شکل حیات نظام مند بروز یافته در تاریخ ایران به شمار می‌رود. اما چنین هدایت نخبگانی وسیعی را چگونه می‌توان مهار کرد؟

ابزارهای کنترلی

اگر اندکی از فضای بحث‌های تئوریک دانشگاهی فاصله بگیریم درخواهیم یافت که تقریبا همگی ما به نحوی متخصص در «جنگ نرم» به حساب می‌آییم! از پدر و مادری که به منظور تاثیر گذاری مثبت بر رفتار فرزندان خود هنجارهای مشروع زن و شوهری را از چشم آنها پنهان می‌کنند تا آن مجموعه بزرگی از بازیگران و خوانندگان و ورزشکاران که مقید به کنترل رفتار خود در منظر مردم به جهت حفظ دیسیپلین شهرت هستند. یعنی به همان اندازه که پدر و مادر در مقابل فرزندان خود یک جامعه کوچک نخبگانی تشکیل می‌دهند، سایر گروه‌های مشاهیر نیز از قدرت تاثیر گذاری بر جامعه برخوردار هستند. این جنگی دائمی در محدوده اخلاقیات است که اغلب اعضای جامعه بدون آموزش چشمگیر، به کنترل حیطه آن اشتغال دارند. ما با یکدیگر بر سر «اخلاقیات«، «مذهب» یا «ملیت» جنگ نداریم چون پذیرفته ایم که مولفه‌های قدرت نرم جامعه ایرانی برآمده از همین بدیهیات تاریخی و فرهنگی و گفتمانی است. پس برای تعیین ابزارهای کنترلی هم نیازمند ابداعات و اختراعات عجیب و قریب نیستیم! حفظ عرفیات و شرعیات و حیطه اخلاق ایرانی کفایت می‌کند. با این احتساب آنچه امروز در فضای قانون ستیز سایبر می‌گذرد «طبیعی» نیست و دست هدایتگری در میان است که گروهی از نخبگان را آشکارا به عرف شکنی و دریدن مرزهای اخلاقیات در منظر عموم ترغیب می‌کند. اینجا دیگر صحبت از «عکس‌های لو رفته» نیست! بلکه عمد بر لو رفتن یک سبک زندگی خاص و بزرگنمایی شده توام با تظاهر به خوبی و خوشی بدون ذکر حواشی یکی زندگی حقیقی برآمده از قوانین سیستم مصرف گرا، بی‌اخلاق و خانواده ستیز لیبرالی است.

تصویر ساز ی و تخریب گری!

همیشه اجرای یک «نمایش ناقص، تمرین نشده و بدون برنامه» خطرناک‌تر از تعریف کل ماجراست. به همان نسبت «گلشیفته فراهانی» به عنوان نماد یک «زن ایرانی بازیگر» در مقایسه با «آنجلینا جولی هالیوودی» غیرنرمال می‌نماید، هر چند در باطن طبیعتا جولی یک بازیگر جهانی با دامنه فسادی صد برابری است اما فضای پیرامونی او در اختیار حاکمیتی عاقل و دور اندیش است. پس الگوی حقیقی نظام سرمایه داری مادر ۶ فرزند با ملیت و رنگ پوست متفاوت و ویترینی از اقدامات خیرخواهانه تعریف می‌شود و ویترین مشاهیر ایرانی با دخترکی مسلمان در ظاهر یک روسپی تزیین می‌شود! نه آن نماد حقیقت جامعه آمریکایی است و نه این نمونه‌ای سالم از یک جامعه فرهیخته! اما با تخریب ویترین یک سیستم می‌توان بر مجموعه بزرگی از مولفه‌های قدرت نرم آن تاثیری منفی گذاشت. ویترین جامعه مقید، اخلاق مدار و نسبتا سالم ما در فضای مجازی هم اکنون از جانب اقلیتی محض از مشاهیر مکرر تخریب می‌شود!

> *** همیشه اجرای یک «نمایش ناقص، تمرین نشده و بدون برنامه» خطرناک‌تر از تعریف کل ماجراست. به همان نسبت «گلشیفته فراهانی» به عنوان نماد یک «زن ایرانی بازیگر» در مقایسه با «آنجلینا جولی هالیوودی» غیرنرمال می‌نماید، هر چند در باطن طبیعتا جولی یک بازیگر جهانی با دامنه فسادی صد برابری است اما فضای پیرامونی او در اختیار حاکمیتی عاقل و دور اندیش است.**

***

حاکمیت کجاست؟!

آیا اعضای جامعه ایرانی می‌توانند خود به تنهایی در برابر هجمه‌ای شدید که از جانب نظامات سیستم لیبرال سرمایه داری میلیارد میلیارد برای آن خرج می‌شود به تنهایی مقاومت کنند؟ سوال مهم‌تر این است که آیا تنها مقاومت مردمی برای دفع حملات فرهنگی، اجتماعی، دینی و اخلاقی کفایت می‌کند؟ قطعا چنین نیست! مردم از هیچ یک از ابزارهای حاکمیتی برای تقویت جریان خیر و تقابل با جریان شر در جبهه‌ای گسترده و ملی برخوردار نیستند، بنا براین طبیعتا بدون تبیین ساختارها و نظامات حاکمیتی و ابداع سیستمی دقیق نمی‌توان از پس چنین هجمه سنگینی برآمد.

ابزارهای حاکمیتی بیگانه

بیایید برای تبیین این موضوع به سیستم مورد نظر ما که هم اکنون در غرب حکمفرماست نگاهی از نزدیک داشته باشیم. همانطور که ذکر شد، بازیگران، هنرمندان، خوانندگان و ورزشکاران تشکیل‌دهنده بخش مهمی از ویترین نخبگان غیرعلمی با قدرت تاثیر گذاری بر آحاد جامعه هستند. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم از آنها که دوست شان داریم و اخبار و اطلاعات و سبک زندگی شان را دنبال می‌کنیم تاثیر می‌پذیریم. هر طیفی که با بهره گیری از دستگاه‌های رسانه‌ای به صورت دائمی عرض اندام کند خواه ناخواه صاحب قدرت خواهد شد و جهت دهی به چنین قدرتی از وظایف ذاتی و انکار ناپذیر حاکمیت هاست. به همین جهت است که هالیوود به عنوان «وزارت فرهنگ و ارشاد» نظام لیبرال سرمایه داری با مجموعه برنامه‌های جهانی به کنترل سبک زندگی مشاهیر مبادرت می‌ورزد. صحبت از سیستمی است که با ۳۰ سال فشار حاصل از تبلیغات حول سیاست‌های کاهش فرزندآوری، نسل اول هالیوود را تقریبا منقرض کرد و پس از آن با تغییر سیاست‌ها، سوپرمدل‌های سایز صفر همچون هایدی کلوم و آنجلینا جولی و ویکتوریا بکهام و کیت بلانشت و سایرین را مجبور به فرزندآوری با استاندارد ۴ بچه کرد، هر چند برخی از این حد نیز فراتر رفتند! صحبت از سیستم پر قدرتی است که آشکارا از حاکمیتی بودن همه بخش‌های فرهنگ و هنرش سخن به میان می‌آورد و داستان مبارزات فاشیستی مدیران هالیوود با «حامیان کمونیسم» یا «انکار کنندگان هولوکاست» را مشتاقانه نسل به نسل بازگو می‌کند تا در سطور تاریخ گم نشود! علاوه بر آن در حال نیز، هر آن که همچون بریتنی اسپیرز، مایکل جکسون، جنت جکسون، مارلون براندو یا سایرین، از عمل به «برخی قوانین نانوشته» حاکم بر سیستم مذکور سر باز زند در ملا عام با چنان عقوبت سنگینی مواجه می‌شود که گویی از عرش به فرش افتاده است! این یعنی لیبرال سرمایه داری در حیطه سیاست‌های خود با کسی شوخی ندارد!

سیستم سلیقه ای- حزبی

حال بیایید سیستم خودمان را بررسی کنیم؛ مدیران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ما به صورت دوره‌ای و با سلایق حزبی و قبیله‌ای پس از هر دوره انتخابات ریاست جمهوری انتخاب می‌شوند. به این ترتیب نظام ما دست کم در ۳۶ سال اخیر هرگز یک سیستم یکپارچه فرهنگی به خود ندیده است. در چنین شرایطی «بهترین ها» هم تنها به سلایق، علایق و آرمان‌های خود پایبند بوده‌اند و از فرصت و امکانات کافی برای طراحی یک سیستم مدیریتی یکپارچه، نظارت و ارتقاء بخشی زیرمجموعه فرهنگ و هنر کشور بی‌بهره بوده‌اند. به این ترتیب دست کم عنان بخشی از کار همواره در دست مدیران طرح «دیپلماسی عمومی» دشمن بوده است. هر کدام از مشاهیر که براساس میل و سلیقه ذاتی خود به جبهه «خوبی و خیر» خواسته یا ناخواسته کمک رسانده‌اند در تنهایی به شعفی درونی می‌بالند و از سیستم چیز زیادی به آنها نرسیده است! چه بسا همچون حاتمی کیا، نرگس آبیار یا خیلی‌های دیگر به سبب فاصله گرفتن از طراحی نقشه دشمن، تنبیه سیستماتیک هم شده باشند! چون به هر حال «ارشاد» در سیستم ما «سلیقه‌ای» تعریف شده است و «حزبی» تکلیف آن تعیین می‌شود.

> *** مدیران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ما دوره‌ای و با سلایق حزبی و قبیله‌ای پس از هر دوره انتخابات ریاست جمهوری انتخاب می‌شوند. به این ترتیب نظام ما دست کم در ۳۶ سال اخیر هرگز یک سیستم یکپارچه فرهنگی به خود ندیده است. در چنین شرایطی «بهترین ها» هم تنها به سلایق، علایق و آرمان‌های خود پایبند بوده‌اند و از فرصت و امکانات کافی برای طراحی یک سیستم مدیریت، نظارت و ارتقاء بخشی زیرمجموعه فرهنگ و هنر کشور بی‌بهره بوده اند.**

***

دوپینگ سایبری گشتاپو!

گشتاپوی نظام لیبرال سرمایه داری با تمسک به قدرت برآمده از محیط حاکمیت ستیز سایبر، در شبکه‌های اجتماعی می‌تازد و همچون اقلیتی صهیونیست، شخصیت و وجهه آنها که حتی براساس الگوهای ساختگی خودشان در تیم «ارزشی ها» هم نیستند اما بنا بر رویه یک زندگی نرمال گاه در محرم، حسینی عمل می‌کنند را آشکارا مقابل چشم همگان «ترور شخصیت» می‌کنند. جالب اینجاست که مجموعه رسانه‌های ناآگاه یا فریب خورده داخلی نیز در تحلیل این ماجراها به جای آسیب شناسی و کنار زدن پرده‌های فریب، به تئوری «بی‌تربیتی مردم» متوسل می‌شوند! حال آن که تقصیر از کسانی است که بدون هر گونه عاقبت اندیشی مقابل تریبون مهم ارشاد می‌ایستند و می‌گویند: «ما هر اندازه از وظایف‌مان را که مشتری داشته باشد، واگذار می‌کنیم!» خوب واضح است که چه کسی در صف پیش خرید همین ساختار نیم بند فعلی سال هاست زنبیل گذاشته است!

دوگانه‌سازی عامدانه

اما بدترین شکل مبارزه با ساختار فاشیستی شکل گرفته در فضای فرهنگ و هنر را باید در نوع فعلی آن جست‌وجو کنیم. گروه‌هایی از مردم به نام «حزب للهی ها» یا «حامیان فرهنگ و هنر ایرانی- اسلامی» همچون سازمانی مردم نهاد به ساختارسازی موازی با حاکمیت روی آورده‌اند بی‌آن که دغدغه اصلی یعنی ساختارمند کردن نظام فرهنگ و هنر حاکمیت را مجدانه پیگیر باشند. جشنواره فجر انقلاب برای شما، جشنواره مردمی عمار برای ما! جشنواره موسیقی انقلاب برای ضد انقلاب، حامد زمانی برای ما! شیار ۱۴۳ و میهمان داریم برای ما، فیلم فتنه برای شما! شبکه افق برای ما، باقی برای شما! بزرگ‌ترین دستاورد چنین سیستمی، تلقین دوگانگی جامعه، به همه زیرمجموعه فرهنگ و هنر کشور است. کم کم کسی برای ساختار فشل حاکمیت تره هم خرد نمی‌کند! این گونه می‌شود که بازیگران فتنه ۸۸ به روی سن انقلاب رفته و پنجه به سیمای نظامی می‌کشند که چهارپایه شهرت را زیرپای آنها گذاشته است و گرنه کیست که نداند «گلشیفته» پس از آن که همچون «ماهی رودخانه به دریا گریخت» جز نقش «روسپی نظام لیبرال سرمایه داری» هیچ کاسب نشد! عاقبت سایرینی که به نظامات ملی کشور خود پشت کنند هم همین است منتها ظاهرا نظام هیچ علاقه‌ای به ساختارسازی پس از ۳۶ سال کم کاری از خود نشان نمی‌دهد! این دست اقدامات، گرچه ممکن است به خلق آثار ارزشمند در مقاطعی خاص بیانجامد و در جای خود واجد منزلت و ارزش باشد اما چون به ساختارسازی نمی‌انجامد، نمی‌تواند و نباید به عنوان حرف آخر نظام و جریان ارزشی تلقی شود.

> *** گروه‌هایی از دغدغه‌مندان هنر و ارزش، همچون سازمانی مردم نهاد به ساختارسازی موازی با حاکمیت روی آورده‌اند بی‌آن که دغدغه اصلی یعنی ساختارمند کردن نظام فرهنگ و هنر حاکمیت را مجدانه پیگیر باشند. بزرگ‌ترین دستاورد چنین سیستمی، تلقین دوگانگی جامعه، به همه زیرمجموعه فرهنگ و هنر کشور است.**

چه کنیم؟

الف- مهم‌ترین اقدامی که می‌توان به آن اندیشید ایجاد اصلاحات قانونی در ساختار حاکمیت است. وزارتخانه‌های زیربنایی که با اصول و ارزش‌های حاکمیتی سر و کار دارند را نمی‌توان به شیوه حزبی و سلیقه‌ای اداره کرد. این حرفی است که دست کم۳۶ سال تجربه آشوب فرهنگی و هرج و مرج هنری پشتوانه اش است. از استاد علیزاده‌ای که نشان شوالیه فرانسه را قبول نمی‌کند تا شجریانی که خود را زخمی لمپنیسم ماهواره‌ای می‌بیند همگی موید این هستند که سیستم خوب عمل نمی‌کند و از پس «هدایت و ارشاد» زیرمجموعه، توام با ارتقاء دهی بهنگام و هشدار و انذار در زیرصدای متن فرهنگ و هنر کشور برنیامده است. پس تعیین مدیر وزارت خانه‌هایی همچون فرهنگ و ارشاد، علوم و تحقیقات و آموزش و پرورش را بهتر است به نهادهای بالادستی همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی بسپاریم.

ب- بنا نبود که مردم هم انقلاب کنند و هم مثل اجزای جدا افتاده از سیستم خود برای برآورده شدن آرزوهای بلند آرمانشهری شان ساختارسازی موازی با حاکمیت راه بیندازند! صدر تا ذیل این مملکت متعلق به «انقلاب اسلامی» مردم ایران است. پس اگر بازیگران و هنرمندانش آشکارا در فضای مجازی کشف حجاب می‌کنند و باز سوپراستار فیلم‌های هر شبی سیمای ملی و سینمای وطنی هستند یعنی یک‌جای کار اساسی می‌لنگد! اگر یک لابی پرقدرت در سینما خود مروج روابط نامشروع است و بزرگان سینما را تا مرز جنون عصبانی کرده، باید پذیرفت که حاکمیت گوش هایش را محکم گرفته تا نشنود! اصلاح سیستم از ضروریات است و با ترویج دوگانگی در جامعه، هم مردم متضرر می‌شوند و هم حاکمیت.

ج- اگر مدیری خود مروج حاکمیت دوگانه در سیستم است چه کسی مسئولیت رسیدگی به تخلفاتش را دارد؟ قطعا مردم قادر به تنبیه متخلف نیستند!

د- بر حاکمیت واجب است سیستم «ارتقاء دهی» مجموعه بزرگ هنرمندان مومن و متعهد کشورمان را عملیاتی سازد. اگر الهام چرخنده در میانه بازگشت از مسیر گذشته، ترورشخصیت شد و کارش در مسیر «زهرایی» جشن چادری شدن دختران مومن و دانشجوی کشور به «سی سی یو» کشید وزیر فرهنگ باید از ناراحتی دق کند. چرا که مسیر دعوت از مشاهیر برای خوش رقصی در سفارتخانه‌های انگلیس و فرانسه و غیره چند بانده و مجهز به قطارهای سریع السیر است! تازه آنها از چنان سیستم ارتقایی برخوردارند که به عنوان اولین دست خوش، «حق شهروندی» نظام لیبرال سرمایه داری را همچون «هویجی» آویخته از ریسمان، به هنرمندان پشت کرده به وطن پیشکش می‌کنند. و متاسفانه لایک شدن در نظامات آینده فرهنگ و هنر کشور از سایر مزایای آن به حساب می‌آید!

ه- حکومت داری دولا دولا نمی‌شود! نمی‌توان گفت هم طرف براندازان نظام را می‌گیریم و به فیلم‌های حامی فتنه مجوز می‌دهیم و هم دست بر سر شیار ۱۴۳ خواهیم کشید. بزرگ‌ترین دلیل صحت این مدعا زمین گیری ارزشی‌های سینمای ایران در بازی اکران است و بوی آزاردهنده سالن‌های کنسرت مختلط تهرانی که ورود دوربین به آنها ممنوع است! صیانت نکردن از حریم فرهنگ و هنر ایرانی- اسلامی یعنی آوانس دهی به آنها که سالهاست سر بر بالین آرامش نگذارده‌اند تا مقابل همه روزنه‌های نفوذ باند فرودگاهی احداث کنند. مدافعین ما سر کدام بزنگاه توطئه خوابیده اند؟!

نوبت اول

آگهی تجدید مناقصه عمومی

شهرداری شهریار در نظر دارد نسبت به **تهیه و نصب یکدستگاه چیلر و برج خنک کننده سالن ورزشی شهداء** با برآورد ۴/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال طبق مجوز شماره ۱۵۲۵ مورخه ۹۳/۵/۱۴ شورای اسلامی شهر شهریار از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید. لذا از شرکت‌های دارای رتبه‌بندی و واجد شرایط دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد مناقصه پس از تاریخ درج آخرین آگهی به مدت ۱۰ روز به امور مالی شهرداری شهریار مراجعه نمایید. شهرداری در رد یا قبول پیشنهادات مختار است و هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

مسعود رهنما- شهردار شهریار

آگهی احضار متهم

نظر به اینکه آقای برهان محمدی فرزند محمدرشید به اتهام انتقال مال غیر از طرف این دادسرا طی شماره پرونده ۸۸۰۹۸۵ تحت تعقیب است و ابلاغ احضاریه به واسطه معلوم نبودن محل اقامت وی ممکن نگردیده بدین‌وسیله در اجرای ماده ۱۱۵ قانون آئین دادرسی کیفری مراتب به نامبرده ابلاغ تا ظرف یک ماه از تاریخ انتشار آگهی در شعبه پنجم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان سنندج جهت پاسخگویی به اتهام خویش حاضر شود در صورت عدم حضور پس از یک ماه از تاریخ انتشار آگهی اقدام قانونی معمول خواهد شد.

مرادی- مدیر دفتر شعبه پنجم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب سنندج

آگهی تغییرات شرکت تولید ایراتل سهامی خاص به شماره ثبت ۴۲۴۵۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۷۸۲۴۹

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:

محل شرکت به قم محور قدیم قم به تهران ۲۰۰ متر بعد از پلیس راه کد پستی ۳۷۱۸۱۳۶۵۸۷ انتقال یافت.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

آگهی تغییرات شرکت کندر سهامی خاص به شماره ثبت ۸۲۸۸۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۷۵۰۸۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۶/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:

به موضوع شرکت عبارت فعالیت‌های آزمایشگاهی و آنالیز مواد اولیه و محصولات تولیدی صنایع شوینده و بهداشتی، آرایشی، موادغذایی و داروئی موردنیاز در چارچوب استانداردهای ملی الحاق و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

آگهی ابلاغ دادنامه

پرونده کلاسه ۹۱۰۹۹۸۸۷۱۳۸۰۰۸۸۶ شعبه ۱۰۵ دادگاه عمومی جزایی شهرستان سنندج دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۸۷۱۱۷۰۱۰۰۶

شاکی: ۱- آقای داود دو هاروت، به نشانی سنندج ۱۷/۱ بهاران خ اسعد سعیدی ک چهاردهم ت ۸۷۱۷۲۷۸۴۶۰-۲ دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان سنندج به نشانی سنندج- میدان بسیج- مجتمع قضایی شهید بهشتی

متهمین: ۱- آقای آرام روحی صفایی به نشانی سنندج بهاران ۱۷/۱ خ سعیدی ک چهارم تلفن ۷۲۷۳۱۱۱-۲ - آقای کامیار حمیدی به نشانی سنندج بهاران ۱۷/۱ خ اسعد سعیدی ک چهارم منزل آرام روحی صفایی

اتهام: مشارکت در ایراد ضرب و جرح عمدی

گردشکار: متهم به اتهام فوق تحت تعقیب واقع پس از ارجاع به این شعبه و ثبت به کلاسه فوق اینک در وقت فوق‌العاده شعبه ۱۰۵ جزایی محاکم عمومی سنندج به تصدی امضاکننده زیر تشکیل و با بررسی محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به صدور رای می‌نماید.

«رای دادگاه»

در خصوص اتهام ۱- آرام روحی صفایی فرزند شهرام ۲- کامیار حمیدی متواری دائر بر شرکت در ایراد ضرب و جرح عمدی موضوع شکایت داود دوهاروت فرزند عیسی نظر به محتویات پرونده شکایت شاکی و گواهی پزشکی قانونی ارائه شده توسط وی و با ملاحظه اظهارات گواهان و تحقیقات صورت گرفته توسط دادیار محترم شعبه نهم و کیفرخواست صادره دادسرای محترم عمومی و انقلاب سنندج و با توجه به اظهارات و دفاعیات بلاوجه و غیرموثر متهم ردیف اول در جلسه دادرسی و عدم حضور متهم ردیف دوم در جلسه دادگاه و عدم ارائه دفاعیات خویش علی‌رغم احضار وی از طریق انتشار آگهی در جراید کثیرالانتشار و سایر قرائن و امارات منعکس در پرونده بزه انتسابی به نامبردگان به نظر دادگاه محرز و مسلم بوده به استناد مواد ۴۴۸ و ۴۴۹ و ۷۰۹ و ۷۱۰ و ۷۱۴ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ متهمان را از بابت کبودی ناحیه گونه چپ به پرداخت سه دینار و از بابت کبودی در طرف چپ بینی به پرداخت سه دینار و از بابت کبودی خلف نیمه سینه چپ به پرداخت یک و نیم دینار و از بابت خراشیدگی (حارصه) کمر در طرف راست به پرداخت نیم درصد دیه کامل و از بابت سائیدگی (حارصه) خلف آرنج راست به پرداخت نیم درصد دیه کامل و از بابت ارش تورم خفیف پس سری چپ و خلف نیمه سینه راست هر کدام به پرداخت بیست و پنج صدم درصد دیه کامل و از بابت ارش تورم متوسط گونه چپ به پرداخت سه دهم درصد دیه کامل در حق شاکی محکوم و اعلام رای می‌نماید. رای صادره حضوری در خصوص متهم ردیف اول و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در محاکم محترم تجدیدنظر استان کردستان می‌باشد و در خصوص متهم ردیف دوم غیابی و ظرف ده روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این دادگاه سپس با انقضاء مهلت واخواهی ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در محاکم محترم تجدیدنظر استان کردستان می‌باشد.

شرفخانی- دادرس شعبه ۱۰۵ جزایی دادگاه عمومی سنندج
رونوشت برابر اصل و اداری است- مدیر دفتر شعبه ۱۰۵ کیفری دادگاه عمومی سنندج- شمس

آگهی تغییر محل شرکت تولیدی نخ‌کش جوراب زنجان سهامی خاص به شماره ثبت ۶۸۰۷۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۳۰۲۱۰

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۳/۸/۱محل شرکت به تهران خیابان کریم خان‌زند بعد از خیابان شهید حسینی پلاک ۵۷ واحد ۲ کدپستی ۱۵۸۵۶۹۴۸۱۸ تغییر یافت.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

آگهی تغییرات شرکت تولیدی نخ لاستیک فردوس سهامی به شماره ثبت ۷۲۸۵۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۷۷۷۰۷

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۳/۷/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:

محل شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس تهران کریم‌خان‌زند بعد از خیابان شهید حسینی پلاک ۵۷ طبقه اول کدپستی ۱۵۸۵۶۹۴۸۱۸ تغییر یافت.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده شرکت ساختمانی و تأسیساتی بوئین‌دشت‌زهرا (سهامی‌خاص) شماره ثبت ۳۷

از کلیه سهامداران محترم شرکت دعوت می‌نماید در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده که در ساعت ۲ بعدازظهر روز سه‌شنبه ۹۳/۹/۲۵ در شرکت برگزار می‌شود حضور به هم رسانند.
دستور جلسه: ۱-انتخاب بازرس قانونی ۲- تعیین روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌ها

هیئت مدیره شرکت

آگهی ابلاغ

خواهان رحیم شیرازی حاجی میری‌ها به طرفیت خوانده مهرزاد سیاهکالی مرادی به خواسته مطالبه خسارت تاخیر تادیه و مطالبه وجه بابت... تقدیم دادگاه‌های عمومی شهرستان قزوین که جهت رسیدگی به شعبه ۱ دادگاه عمومی حقوقی قزوین واقع در خ دانشگاه- جنب پارک الغدیر- دادگستری کل استان قزوین ارجاع و به کلاسه ۹۳۰۹۹۸۲۸۱۰۱۰۰۳۰۵ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن ۱۳۹۳/۱۰/۲۳ و ساعت ۱۱ تعیین شده است. به علت مجهول‌المکان بودن خوانده و درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا خوانده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.

شعبه ۱ دادگاه عمومی حقوقی قزوین

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای یوسف ستاری خونانی دارای شناسنامه شماره ۱۳۲۰ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۳۰۹۹۸۲۸۹۰۱۰۰۴۴۶ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان پیام ستاری خونانی به شناسنامه ۰۰۱۶۴۲۱۱۷۵ در تاریخ ۱۳۹۳/۶/۲۱ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به: ۱- یوسف ستاری خونانی دارای ش.ش ۱۳۲۰ پدر متوفی ۲- پروانه شعبان جعفری دارای ش.ش ۱۰۰۱۹ مادر متوفی ۳- زهرا مهدی‌زاده چهارده دارای ش.ملی ۲۷۳۰۰۵۶۸۳۱ همسر متوفیاینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

قاضی شعبه دوم شورای حل اختلاف شهر بوئین‌زهرا

آگهی صدور سند مالکیت المثنی

احتراما سند مالکیت به شماره مسلسل ۵۵۹۷۵ ۰ الف/ ۸۳ ششدانگ یکباب ساختمان تحت پلاک ۱۵۶ فرعی از ۱۱ اصلی واقع در بخش ۹ قزوین ذیل ثبت ۱۲۹۰۶ در صفحه ۱۵۹ دفتر جلد ۷۵ بنام زینت نوری صادر و تسلیم گردیده است. مالک با ارائه دو برگ شهادت شهود ممهور به مهر دفترخانه ۴۴ بوئین‌زهرا تقاضای صدور سند مالکیت المثنی را نموده و مدعی گردیده که سند مالکیت مفقود گردیده است. مراتب با استناد به ماده ۱۲۰ آیین‌نامه ثبت در یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار چاپ و نشر و از تاریخ انتشار به مدت ۱۰ روز چنانچه شخص یا اشخاصی اعم از حقیقی یا حقوقی مدعی حقی نسبت به پلاک مذکور می‌باشند و یا اینکه ذینفع بوده و یا معاملاتی به نفع آنها صورت گرفته است و یا به نحوی از انحا نسبت به ملک حقی دارند ضمن مراجعه به این اداره اعتراض خود را با اصل سند مالکیت و یا سند معامله تسلیم نمایند. چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی وارد و یا واصل نگردد اداره ثبت سند مالکیت المثنی را وفق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد نمود.

مسیب محمدی- رئیس ثبت اسناد و املاک بوئین زهرا

ابلاغ اجرائیه

بدین‌وسیله به آقای جبار علوانی فرزند دبیس شناسنامه شماره ۸۴۶ ساکن منازل راه‌آهن سربندر ابلاغ می‌شود که بانک ملی به استناد قرارداد بانکی شماره ۸۶۰۰۲۹۷۷ جهت وصول مبلغ ۸۳/۱۶۷/۶۸۹ ریال تا تاریخ ۱۳۹۲/۶/۱۹ و از تاریخ مزبور که روزانه مبلغ ۴۱/۷۸۹ ریال به آن اضافه می‌گردد به انضمام خسارت تاخیر متعلقه تا روز تسویه کامل بدهی طبق مقررات علیه شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرایی به کلاسه ۹۲۰۰۷۹۶ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۸ مأمور، محل اقامت شما به شرح متن سند شناخته نشده، لذا بنا به تقاضای بستانکار طبق ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی آگهی می‌شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می‌گردد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرایی جریان خواهد یافت.

رئیس اداره اجرای اسناد رسمی اهواز-میرزا مهرعلیدادی

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای محمدآقا قموشی تقی‌پور دارای شناسنامه شماره ۲۱۲۷ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۳۰۲۱۹ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان غلامرضا قموشی تقی‌پور به شناسنامه ۴۰۰۷ در تاریخ ۹۳/۹/۲ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به ۱- خواهان با مشخصات فوق ۲- زهرا قموشی تقی‌پور به شماره ملی ۵۰۹۰۳۶۶۷۶۴ فرزند اناث متوفی ۳- محمد قموشی تقی‌پور به شماره ملی ۵۰۹۰۲۷۴۴۱۱۸ فرزند ذکور متوفی ۴- طاهره قموشی رامندی به شماره شناسنامه ۵۳۰۹ همسر دایمی متوفی ۵- رقیه خاتون قموشی رامندی به شماره شناسنامه ۲۵۵۷ مادر متوفی و متوفی به غیر از این پنج نفر وراث دیگری ندارد.اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

سیدمحمدعلی موسوی- رئیس شعبه دوم شورای حل اختلاف شهر رامند

شنبه‌ها
(سراسر کشور)
نشدز
اولین نشریه مخصوص بانوان
بامطلب متنوع وخواندنی

آگهی مناقصه یک مرحله‌ای ۹۳/۲۱

شرکت مخابرات استان چهارمحال و بختیاری

شرکت مناقصه‌گذار: شرکت مخابرات استان چهارمحال و بختیاری
موضوع مناقصه: نصب یکصد دستگاه BTS در سطح استان
مهلت دریافت اسناد مناقصه: از تاریخ ۱۳۹۳/۹/۱۲ لغایت ساعت ۱۵ روز ۱۳۹۳/۹/۲۳
مهلت تکمیل و ارسال پیشنهادات: تا ساعت ۱۲ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۱
چگونگی دریافت اسناد مناقصه: واریز مبلغ ۱۰۰/۰۰۰ ریال به حساب ۰۱۰۵۹۸۵۷۱۵۰۰۹ بانک ملی ایران به نام شرکت مخابرات استان و ارائه فیش مربوطه به همراه درخواست کتبی به اداره تدارکات این شرکت واقع در شهرکرد- خیابان یاسر- امور قراردادها.
تاریخ بازگشائی پاکات: ساعت ۱۴ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۱
سپرده شرکت در مناقصه: ۱۴۰/۰۰۰/۰۰۰ (یکصد و چهل میلیون) ریال به صورت ضمانت‌نامه بانکی یا چک تضمینی.
- جهت دریافت اسناد مناقصه موارد ذیل الزامی است:
۱- متقاضیان در لیست ارتباطات سیار باشند.
۲- سابقه کار مشابه و حسن انجام کار مربوطه را داشته باشند.
- هزینه انتشار آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.
- سایر اطلاعات در اسناد مناقصه درج گردیده است.

WWW.TCI- CHBA.IR

تلفن تماس: ۰۳۸-۳۳۳۴۳۰۲۰ **نمابر:** ۰۳۸-۳۳۳۳۵۳۵۵

شرکت مخابرات استان چهارمحال و بختیاری

آگهی سند مالکیت المثنی

نظر به اینکه مالک مراد کریمی با ارائه فرم شهادت شهود مصدق دفترخانه اسناد رسمی شماره۸۹ نهاوند اظهار نموده که سند مالکیت ششدانگ پلاک $\frac{۲۱}{۲۳۹}$ بخش چهار نهاوند که ذیل ثبت ۱۱۵۱ دفتر۹ صفحه۱۷۵ صادر و تسلیم گردیده است به علت جابجایی مفقود گردیده است تقاضای سند مالکیت المثنی نموده است، لذا به استناد ماده ۱۲۰- آئین‌نامه قانون ثبت مراتب به شرح فوق یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار یا محلی جهت اطلاع عموم آگهی می‌گردد چنانچه کسی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اعتراض داشته یا مدعی انجام معامله نزد خود او یا وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد می‌تواند اعتراض خود را کتباً از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز به این اداره ارسال در غیر این صورت و پس از گذشت مقرر سند مالکیت المثنی صادر خواهد شد.

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نهاوند- فاطمه شهبازی

آگهی تغییرات شرکت شکرنوین خلیج‌فارس سهامی خاص به شماره ثبت ۲۷۳۹۱۷ و شناسه‌ملی ۱۰۱۰۳۰۳۱۹۴۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:

محل شرکت از واحد ثبتی تهران به آدرس: استان خوزستان- بندر امام‌خمینی- اداره کل بنادر و دریانوردی بندر امام خمینی تأسیسات بندر امام‌خمینی قطعه a ۸۵ کدپستی ۶۳۵۷۱۷۳۶۹۱ انتقال یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

آگهی مزایده عمومی فروش زیتون شور

شرکت کشت و صنعت رضوان امداد گلستان در نظر دارد **حدود ۴۵ تن محصول زیتون شور سال جاری** خود را به صورت فله از طریق مزایده عمومی در تاریخ ۹۳/۹/۲۴ به فروش برساند. لذا از علاقه‌مندان دعوت می شود از تاریخ ۹۳/۹/۱۵ الی ۹۳/۹/۲۳ در وقت اداری جهت بازدید و دریافت فرم مزایده به آدرس ذیل مراجعه نمایند.
مهلت ارائه پیشنهاد و تاریخ برگزاری مزایده: حداکثر تا ساعت ۱۱ صبح مورخ ۹۳/۹/۲۴ می‌باشد.
آدرس: استان گلستان- گنبدکاووس- خیابان خیام جنوبی نبش کوچه ۱۸ پ ۵۲۵ شرکت کشت و صنعت رضوان امداد. **تلفن ۳۳۳۸۳۱۲۲-۳۳۳۳۲۰۶۰-۰۱۷**

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای سیدامین موسوی فرزند سیدسلیمان به شماره‌شناسنامه ۱۲۰/۰۰۳۰۴۰/۰ به شرح دادخواست به کلاسه۱۳۱/۹۳/ ش ح ۱ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان سیدسلیمان موسوی فرزند سیدحبیب‌اله به شماره‌شناسنامه ۱۷۱ در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۱۴ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به: ۱- محترم پناهی بازارگاه فرزند سیدسیف‌اله به شماره‌شناسنامه ۱۵۹ متولد ۱۳۴۳ صادره از کهنگان (همسر متوفی) ۲- سیدامین موسوی به شماره‌شناسنامه ۱۲۰/۰۰۳۰۴۰/۰ متولد ۱۳۶۸ صادره از سمیرم (فرزند متوفی) ۳- سیداسمعیل موسوی به شماره شناسنامه۳۷۳ متولد ۱۳۵۷ صادره از سمیرم (فرزند متوفی) ۴- مملکت موسوی به شماره شناسنامه ۲۷۸ متولد ۱۳۴۹ صادره از سمیرم (فرزند متوفی) ۵- طوبی موسوی به شماره شناسنامه ۳۰۲ متولد ۱۳۵۲ صادره از سمیرم (فرزند متوفی) ۶- سیده طاهره موسوی به شماره شناسنامه ۳۷۴ متولد ۱۳۵۹ صادره از سمیرم (فرزند متوفی) ۷- فریبا موسوی به شماره شناسنامه ۲ متولد ۱۳۶۲ صادره از سمیرم (فرزند متوفی) ۸- فرشته موسوی به شماره شناسنامه ۱ متولد ۱۳۶۳ صادره از پادنا (فرزند متوفی) و لاغیر.
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

علیرضا رفیعی
قاضی شورای حل اختلاف شماره یک شهرستان سمیرم

رونوشت آگهی حصر وراثت

خانم لیلا اسدی فرزند غضنفر به شماره شناسنامه ۱۲۰/۰۰۶۰۱۲/۱به شرح دادخواست به کلاسه ۱۳۴/۹۳/ش ح ۱ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان غضنفر اسدی فرزند محمدعلی به شماره شناسنامه ۱۲۶۸۱ در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۲۶ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به: ۱-محمد علی اسدی فرزند عیدی محمد به شماره شناسنامه ۱۰۷۵ متولد ۱۳۰۹ صادره از سمیرم (پدر متوفی) ۲- جمیله سیروسی فرزند یداله به شماره شناسنامه ۴۹۶۷ متولد ۱۳۱۲ صادره از سمیرم (مادر متوفی) ۳- سکینه افشاری فرزند حسین به شماره شناسنامه ۲۶ متولد ۱۳۴۷ صادره از سمیرم (همسر متوفی) ۴- فاطمه اسدی به شماره شناسنامه ۱۲۰/۰۲۵۲۱۲/۸ متولد ۱۳۸۲ صادره از اصفهان (فرزند متوفی) ۵- لیلا اسدی به شماره شناسنامه ۱۲۰/۰۰۶۰۱۲/۱ متولد ۱۳۷۰ صادره از سمیرم (فرزند متوفی) ولاغیر.
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

علیرضا رفیعی
قاضی شورای حل اختلاف شماره یک شهرستان سمیرم

آگهی تغییرات شرکت قدر کار شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۵۶۱۶۴ و شناسه ملی ۱۰۷۸۰۰۳۵۱۵۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:

سرمایه شرکت از مبلغ ۳ میلیارد ریال به ۸ میلیارد ریال منقسم به یکصد سهم با نام ۸۰ میلیون ریالی از محل مطالبات افزایش یافت و ماده مربوطه اساسنامه اصلاح گردید.

ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق‌الذکر تکمیل امضا گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران